از وقایع آبان ماه و نقش ملت!!

امین، سید حسن

غم مخور،ز آن‏که چو نکو نگری‏ زین ندین نمی‏بینی‏ جز گروهی فریب کار و دغل‏ مردمی در میان نمی‏بینی

از دکتر آذر،نوشته‏هایی نیز در مجله‏ی آینده و ماهنامه‏ی یغما به زیور طبع آراسته گردیده است.برخی از نوشته‏های دکتر آذر به‏ قرار زیر است:

1-«متن سخنرانی روز معلم»،مجله‏ی یغما،سال 5،شماره‏ی‏ 8،صص 361-356،آبان‏ماه 1331.

2-«متن سخنرانی در بزرگداشت استاد علی محمّد عامری، مجله‏ی یغما،سال 28،شماره‏ی 4،صص 251-253،تیرماه 1354.

3-«یاد حبیب یغمایی»،مجله‏ی آینده،سال دهم،شماره‏ی 8- 9،ص 593،آبان و آذر 1369.

4-«یادی از عامری،مینوی و فروزان»،مجله‏ی آینده،سال‏ نهم،صص 362-518.

5-«به یاد اللهیار صالح»،مجله‏ی آینده،سال 13،شماره‏ی 6 و 7،شهریور 1336.

6-همان،سال 15،شماره‏ی 2،ص 69،فروردین و اردیبهشت‏ماه 1368.

7-«تیمور تاش»،مجله‏ی آینده،شماره‏ی 6-9،ص 467، 1368.

پی‏نوشت‏ها:

(1)-یغمایی،اقبال،وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران،صص 438-441، مرکز نشر دانشگاهی،تهران،چاپ اول،1375.

(2)-افشار،ایرج،«تازه‏ها و پاره‏های ایران‏شناسی»،ماهنامه‏ی کلک،صص 281- 282،شماره‏ی 54،شهریور 1374.

(3)-عاقلی،باقر،شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران،ج 1،صص‏ 3-4،انتشارات گفتار،نشر علم،1381.

(4)-همان.

(5)-ر.ک.به منبع 1.

(6)-یغمایی،حبیب،خاطرات حبیب یغمایی به کوشش ایرج افشار،صص‏ 115-116،انتشارات طلایه،1372.

(7)-ر.ک.به منبع 1.

(8)-مشیر،سیّد مرتضی،خاطراتی از اللهیار صالح،صص 30-31،انتشارات‏ مهر اندیش،1382.

(9)-بهزادی،علی،شبه خاطرات،ج 2،ص 194،انتشارات زرین،1375.

(10)-ر.ک.به منبع 3.

(11)-ر.ک.به منبع 1.

(12)-هدایتی،سیّد جواد،تاریخ پزشکی معاصر ایران،ص 300،انتشارات دانشگاه‏ علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران،1381.

(13)-ر.ک.به منبع 2.

(14)-مجله‏ی نگین،شماره‏ی 120،اردیبهشت‏ماه 1354.

(15)-مهدوی دامغانی،احمد،حاصل اوقات،مجموعه‏ای از مقالات استاد به کوشش‏ دکتر سیّد علی محمّد سجادی،ص 519،انتشارات سروش،تهران،1381.

(16)-یغما،جلد سی و دوم،یادنامه‏ی حبیب یغمایی،به کوشش ایرج افشار،با همکاری قدرت اللّه روشنی زغفرانلو،ص 801،چاپ خانه‏ی محمّد حسن علمی، تهران،1370.

(17)-مجله‏ی یغما،سال سی‏ام،شماره‏ی 5،ص 286،مرداد 1356.

(18)-ر.ک.به منبع 2.

از وقایع آبان‏ماه!و نقش ملّت!!و...

درست هفتاد و نه(79)سال پیش،در آبان 1304،مجلس‏ شورای ملّی با ارعاب و تهدید و هو و جنجال،قانونی را تصویب کرد که نخست‏وزیر وقت(سردار سپه)را پادشاه مملکت می‏کرد. کافی‏ست بگوییم که سردار سپه دستور ترور مخالفان لایحه‏ی انتقال‏ سلطنت را داده بود.از جمله در هفتم آبان،ملک الشعرای بهار پس از آن‏که در مجلس بر ضدّ شاه شدن سردار سپه سخنرانی کرد،از جلسه‏ بیرون آمد.جاسوسان شهربانی،به مأمور ترور خبر دادند که بهار از مجلس خارج شده و باید ترور شود،امّا در همین وقت،واعظ قزوینی‏ (مدیر روزنامه‏ی نصیحت قزوین)هم که بی‏شباهت به‏ ملک الشعرای بهار نبود،از لژ روزنامه‏نگاران خارج شد.مأمور ترور،چند تیر به سوی روزنامه‏نگار بی‏گناه شلیک کرد و او را کشت؛درحالی‏که‏ بهار زنده مانده بود!

مأمور پلیس‏[بخوانید قاتل!]قتل ملک الشعرای بهار!!را بلا فاصله به سردار سپه که در سفارت فرانسه میهمان است،با پیامی‏ تلفنی خبر می‏دهد.سردار سپه هم در همان جا به محمّد علی فروغی‏ و چند نفر دیگر می‏گوید:

«ملّت‏[!]جلو بهارستان،شرّ ملک‏[ملک الشعرای بهار]را کند. [!!].»

جالب آن است که«نظمیه»[نیروی انتظامی‏]به هیچ یک از روزنامه‏ها اجازه نداد که خبر قتل روزنامه‏نگار بی‏گناهی را که به جای‏ نماینده‏ی مجلس کشته شده بود،منتشر کنند.

تقی‏زاده،مصدق،دولت‏آبادی و سلیمان میرزا اسکندری هم بر ضدّ لایحه‏ی کذایی سخنرانی کردند،امّا سردار سپه دیگر نمایندگان‏ مجلس را از پیش با تهدید و ارعاب فرا خوانده و از آن‏ها به سود خویش امضا گرفته بود.لذا در نهم آبان،سردار سپه به سلطنت‏ رسید.ح.ا.